

مؤلفه های " شجاعت" و " تروریر" در وجود نامردان ریاست جمهوری و سایه بینیش ماکیاولیستی بر آنها . ریا و دروغ ستون اصلی مشروعیت مافیایی حاکمیت در افغانستان کرزی چرا و چگونه همه را فریب میدهد . ؟

بخش ششم و آخر :

میگویند با اینکه انوشیروان سی هزار مزدکی را یک قلم کشتار کرد چگونه لقب انوشیروان عادل بر خود نهاده است؟ در جواب این پرسش گفته شد که این لقب شریف به خاطر آن است که در قتل و غارت تبعیض قائل نه می شد و مساوات را رعایت میکرد و چنانچه گفته اند ظلم یکسان نیز نوعی عدل است ! یعنی ظلم عادلانه !



محمد امین فروتن

نیکولودی برناردوئی ماکیاولی(Machiavelli,nicolo di bernardo dei-۱۴۶۹-۱۵۲۷) فیلسوف مشهور ایتالیایی متولد فلورانس با کتاب معروف شهریارش همواره در عرف سیاسی و نه در اندیشه و مباحثات اجتماعی تداعی کننده نیرنگ و حيله و دیکتاتوری و خود سری است . این فیلسوف مشهور شجاعت و تزویر را از خصائص ضروری شهریار یا فرمانروا میدانند . او معتقد است که " مردم " بصورت عمومی و کلی آنگاه قابل قبول و پشتیبان یک دولت است که از سوی حکومت ها بصورت مستمر مورد حمایت واقع باشند اما به هر صورت به دشمنی و دوستی و حمایت عوام نه میتوان اطمینان کرد . او در تبیین اندیشه های خود " جنگ " و استبداد و تحکم و جباریت را در نهایت استقرار و نیرو می ستاید و " بقاً حکومت " را به این دست افزار تائید میکند ؛ لہذا با صراحت بیان میکند که ستم باید چنان بزرگ باشد که راه تلافی و فرار از آن ممکن نباشد . ماکیاؤل این فیلسوف جبار مهر و ترس را انگیزه های عمده ای در رفتار بشر میدانند و مال اندوزی و " جاه طلبی " را اسباب

ستیزه جوئی برای بقای او میدانند و میگویند: مال اندوزی و جاه طلبی در دل‌های آدمیان ریشه‌های چنان استوار دارد که به هر مقامی که ارتقا یابند باز هم از میان نه میرود، این فیلسوف ایتالوی و تیورینس استبداد دلیل این وابسته‌گی را طبیعت و فطرت انسان می‌داند که برویت همین فطرت انسانی است که وی خواستار همه چیز است ولی توانائی بدست آوردن آنرا ندارند و چون آرزوها و آمیال‌شان بیشتر از توانمندی‌های‌شان است و از آنچه که دارند ناخرسند، این امر بر حالت روحی‌اش تأثیر می‌گذارد زیرا وقتی خواست برخی از مردمان در پی چیزهای که باید بدست آورند بیشتر باشند و برخی هم قطاران‌شان نیز وقتی رویا‌های از دست دادن درائی‌ها و ثروت‌های‌شان میشود، دشمنی و جنگ میان‌شان بوقوع می‌پیوندد! در هر صورت بدون آنکه اندیشه‌های سیاسی و بینیش و نگاه هریکی از کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان نسبت به بحران موجود در جامعه و راه حل‌های آن بصورت فشرده بیان کنیم ناگزیر از اذعان و تذکر این سخن هستیم که حتی ماکیاؤل آن فیلسوف نامدار و مروج استبداد خود قصد نداشته است که "فلسفه سیاسی" ای را مدون کند و آنرا پایه و اساس همیشه‌گی بشمارد و بصورت تیوریزه آنرا اجندای عمل خود قرار دهد مگر با آنهم وی برخی از خصائل زمامدار را چنین بیان میکند: در رفتار سیاسی و حکومت می‌بایستی نیمی انسان و نیمی جانور درنده بود و حکمران یا شه‌ریار باید هم "شیر" باشد و هم "روباہ" یعنی هم شجاعت و هم تزویر را هردو باهم آمیخت تا بتوان موفق حکومت کرد. بنابراین پندار اندیشه سیاسی "ماکیاؤل" را که با دریغ و تأسف و بیروس این پندار مه‌لک به اکثریتی از نامزدان و کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان سرایت نموده است و چنین می‌پندارند که برای یک حکومت تنها ضروری است ثبات و امنیت خصوصی حریم زمامدار باید در برابر تمامی آفات و بلاهای زمینی و آسمانی نگهداری شود. رسیدن به این هدف ایجاب میکند که فرمانروایان نباید از تزویر و ریا غافل باشند و نباید به کارارزشمند تاریخی و مطلوب توده‌های مردم متصل شوند که زیان بینند و موجودیت خود را به خطر بیاندازند. هر سیاستمدار و کاندید اندیشمند و متحجر - روشنفکر نما و درس خوانده، رفتار و کردار خویش را بر نوعی انسان شناسی تاریخی و فلسفی ویا انسان شناسی اجتماعی (جامعه شناسی) استوار و توجیه میکند؛ چه آنکه آشکارا اعلام کند و چه در سینه‌اش نگاه دارد. در نظام‌های استبدادی و سلطنتی مطلقه غلیظ هیچ حد و مرزی برای اعمال قدرت از سوی حکومت بویژه شخص سلطان و امیر وجود نداشته است. لهذا جز عرف و روابط عنعنوی و محدودیتهای بالفعل، هیچ قانونی را در حوزه مدیریت جامعه برسمیت نه می‌شناسد اگر آنچه که بنام قانون نیز وجود داشته باشند، به جز اراده وخواست سلطان و امیر نبوده است و بر همین مبنا و منطق است که علی‌الرغم موجودیت تشکیلات وسیعی بنام دولت، پارلمان و سنای افغانستان که نهاد‌های قانونگذار و ناظر بر اجرای قوانین بویژه قانون اساسی افغانستان وجود دارد جلالتمآب کرزی رئیس جمهور افغانستان مغائر با هر نوع قوانین و موازین اخلاقی و مدنی پول‌های به باد آورده و خدا دادی را بنام مصارف و هزینه‌های اضافی اداری قصر ریاست جمهوری افغانستان از شبکه‌های استخباراتی امنیتی جهان حاصل نموده و در راه استحکام و امتداد سلطه مافیای‌اش هزینه مینماید!! با کمال صراحت و صمیمیت باید گفت که در چنین حالتی صحبت و هرگونه گفتگو را جمع به قانون و جامعه مدنی روح و ترجمه استبداد حکومتی است که خود نماد روشنی از بی قانونی نامیده میشود. نهایت جالب و شگفت انگیز است که در "نظام جمهوری اسلامی افغانستان!!" هر چند در مرحله‌ای از تاریخ معاصر افغانستان، نهاد‌های چون دولت، پارلمان و نهاد قضائی ستره محکمه یعنی دیوان عالی کشور، با تعیین صلاحیت‌های هریکی از این نهاد‌ها وجود دارند و این امر سبب شده تا به صورت ظاهری نهاد دولتی را که با تمامی

تشریفات و مبانی حقوقی اش سر بلند نموده و قانون اساسی وظائف و صلاحیت های هریکی از این نهاد ها را مشخص ساخته است نهادی بنام «قصر مبارکه ارگ شریف !!» بصورت مافیائی و استخاره ای از دائره اعمال حاکمیت قانون بیرون واقع شده است که در عصر ارتباطات و گلوبالزاسیون که عصر مردم سالاری نامیده میشود و تنها قانون و تابعیت از آن ترجمان خواست و اراده مردم است ، معامله گری های پیچیده استخباراتی ای که در قصر ریاست جمهوری افغانستان به هر نام واسمی صورت گیرد روند متحجرانه ای برضد عدالت و آزادی انسان معاصر محسوب میشود . در اینصورت است که صدور هرگونه فرامین استخاره ای وسلطانی حاوی کلیمات و احکامی چون " من حکم میکنم " با روند روبه رشد جوامع بشر در تناقض قراردارند و در ارابه تکاملی تاریخ بشر اندکترین جایگاهی را ندارد . البته باید گفت و خاطر نشان ساخت که قوانین اساسی نیز مانند قوانین عادی عاری از نقص ، ضعف ، خطا و گرفتار آمدن در دامان واگرائی با مقتضیات مرحله ای تاریخی ونیاز های جامعه نیست ، انکشاف و شناسائی چنین ضعف ها و نارسائی ها نیز جز در بستر فرآیند رهگذر مکانیزم جمعی انتقادی سالم نخبه گان ، متفکران ، نویسنده گان و عموم شهروندان حاصل نه میشود . که یکی از شاخصه های قانون اساسی و اجندای اصلاحات در نظام سیاسی پویا و مطلوب باید در بینش تمامی کسانی که به مقتضای عقل بومی و منزله از باد های استخباراتی برای کسب جایگاه واقعی ریاست جمهوری افغانستان قرار گرفته باشند همچون گوهر ناب بدرخشد .

یاهو یار زنده صحبت باقی

پایان